

بخش قابل توجهی از منابعی که می‌توانستند به مصرف زیرساختی برسند، نابود می‌گردند. منطقی شدن قیمت‌ها با فراهم سازی بستر یاری رسانی دولت به صنایع از محل پولی که از آزاد سازی قیمت‌ها حاصل می‌شود، به توسعه صنایع و بهبود ساختارهای مصرف انرژی کمک می‌کند و از جهت دیگر، مدیریت مصرف به مصرف کنندگان منتقل می‌شود که این امر، موجب کنترل و مدیریت مصرف توسط آنها می‌گردد. به این ترتیب، اثرات دو گانه آزاد سازی قیمت‌ها به ثمر بخشی در حوزه اقتصادی

کشور خواهند انجامید.

در نهایت باید اشاره شود که علت اصلی کارایی پایین انرژی در کشور ما قیمت اندک آن بوده و این امر تا به امروز به اسراف در انرژی منجر شده است. اما در حال حاضر، با آزاد سازی قیمت‌ها و خلق سرمایه‌های جدید از این محل، می‌توان انتظار داشت که در کنار برطرف شدن بسیاری از مشکلات زیست محیطی، به حل مشکلات اقتصادی کشور نظیر بیکاری و رشد اقتصادی نایل آییم. ■

## تشکل‌ها و رشد اقتصادی

# قلب تپنده



### نگاه آقای محمدرضا ستوده، دبیر کل انجمن مدیران صنایع ایران، به جایگاه تشکل‌ها

که نهادهای مردمی هستند، خواسته‌ها و نظرات مردم را جمع آوری و پالایش نموده و در قالب طرح‌های منسجم و هماهنگ به جامعه و دولت عرضه می‌نمایند و پس از تصویب دولت و مجلس، در جامعه از آن دفاع می‌کنند.

مهمترین اهداف و رسالت‌های تشکل‌های صنعتی را می‌توان در قالب موارد زیر برشمرد:

• فراهم آوردن زمینه لازم برای ارتقای سطح فرهنگ صنعتی و کوشش در جهت پیشرفت صنعت کشور

• کمک به توسعه صنعتی و افزایش نقش صنعت در تولید، اشتغال و درآمد ملی

• حرکت در جهت جهانی کردن صنعت و ادغام در اقتصاد جهانی

• کوشش در جهت فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای پیشبرد اهداف صنعت و همکاری و تعامل با دولت در این زمینه

• تلاش در جهت افزایش صادرات صنعتی و بهره‌گیری از روابط بین‌المللی برای تقویت توان صنعتی، علمی و فناوری کشور

• تلاش در جهت تفویض اختیار و مسئولیت سازمان‌های دولتی در خصوص برنامه ریزی به تشکل‌های صنعتی

• کمک به ارتقای درک جامعه از نقش صنعت در تقویت بنیه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فناوری کشور

• برگزاری جلسات آموزشی و ایجاد آگاهی در اعضا، برای درک منطقی مسایل صنعتی کشور و کوشش در جهت رفع آنها

• ارشاد و هدایت سرمایه‌گذاران در انتخاب رشته فعالیت‌ها برای سرمایه‌گذاری و جلوگیری از هدر رفتن منابع اقتصادی ملی.

تشکل‌های صنعتی با پذیرش برخی از مسئولیت‌ها - به ویژه در اداره امور اقتصادی کشور - از تصدی‌گری دولت در زمینه‌های مذکور کاسته و به عنوان مشوق مردم در قبول مسئولیت‌های بیشتر در امور تولیدی و امثال آن، گام‌های اساسی برمی‌دارند و از این طریق، نظر و باور مردم را در زمینه لزوم همکاری تنگاتنگ مردم و دولت و نقش سازنده آن در پیشرفت‌های اقتصادی و افزایش سطح بهره‌وری پیگیری می‌نمایند.

از طرفی باید برای برنامه ریزی‌های کلان جامعه - به ویژه در میان مدت - قابل به انعطاف و قبول ضریب خطا بود. بر این مبنا، بسیاری از اقتصاددانان هدف‌های کلی برنامه‌های میان مدت را به شرطی قابل حصول می‌دانند که روش‌ها و رفتارها در طول اجرای برنامه، مورد تجدید نظر قرار گرفته و اصلاح شوند. بنابراین با پذیرش احتمال

نیل به هر هدف جمعی در گرو تلاش سازمان یافته و برنامه ریزی شده است. از این رو تنها هنگامی که عناصر تشکیل دهنده یک مجموعه برای دستیابی به هدفی متعالی با یکدیگر همکاری می‌کنند، می‌توان انتظار داشت فعالیت این جمع به نتیجه مطلوب برسد. بررسی اهداف و رسالت‌های تشکل‌های صنعتی نشان می‌دهد که خواسته‌های آنها بسیار شبیه یکدیگرند. حتی تشکل‌های صنفی که معمولاً از منافع صنف خاصی دفاع می‌کنند، به عنوان بخشی از جامعه اقتصادی و صنعتی از اهداف کلان اقتصادی و صنعتی سخن می‌گویند و بدین ترتیب، نقش عمده‌ای در پیشرفت و توسعه اقتصاد صنعتی ایفا می‌نمایند.

این وحدت رویه و اشتراک اهداف که غالباً مخاطبان آن، دولت‌ها، دستگاه‌های دولتی و نهادهای وابسته به دولت‌اند، همکاری، تبادل نظر و اقدام مشترک تشکل‌ها را برای تأثیر گذاری در زمینه اقتصاد کشور ضروری می‌سازد.

### توسعه منابع انسانی

تأثیر بهبود کیفیت نیروی انسانی بر فرآیند توسعه اقتصادی تا جایی است که امروزه اکثر اقتصاددانان اتفاق نظر دارند که آنچه در نهایت، خصوصیت و روند توسعه اقتصادی-اجتماعی یک کشور را تعیین می‌کند، محدود به سرمایه و منابع مادی نیست، بلکه به دست منابع انسانی آن کشور شکل می‌گیرد. بهبود کیفیت نیروی انسانی، علاوه بر تلاش و کوشش‌های آموزشی، جنبه‌های کار آفرینی، مسئولیت پذیری، نظم پذیری، صداقت و صمیمیت در کار، اخلاق و وجدان کار انسان را دربرمی‌گیرد.

### وظایف تشکل

بالا بردن سطح دانش تخصصی کار آفرینان و مدیران، نوسازی تخصص‌ها و باز آموزی آنها و سرانجام، بهسازی اطلاعات از جمله اقدامات تشکل‌ها در زمینه توسعه منابع انسانی و ایجاد نگرش توسعه‌ای در آنها می‌باشند.

حضور نمایندگان تشکل‌ها در مراحل مختلف برنامه ریزی و مشارکت در شوراهای کمیته‌های برنامه ریزی و شرکت در شوراهای تصمیم‌گیری مربوط به مسایل اقتصادی-اجتماعی، این فرصت را به وجود می‌آورد که سیاست‌گذاران در اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های کلان، از نظرات و انتظارات مردم از طریق نهادهای مدنی (تشکل‌ها) که حد فاصل مردم و دولت می‌باشند، آگاهی حاصل نمایند.

کمک به امر قانون گذاری و تنظیم و اصلاح قوانین و مقررات - به عنوان عامل تسهیل کننده فرآیند رشد و پیشرفت اقتصادی - عمدتاً در کانون وظایف تشکل‌ها قرار دارد. دولت در جامعه مدنی، منتخب تشکل‌ها بوده و ناگزیر است از خواسته‌های مردم آگاهی حاصل نماید و در حد توان و امکانات خود، مطالبات آنان را برآورده سازد. در این فرآیند، تشکل‌ها

اعضا ارایه نمایند. در واقع، تشکل‌ها به علت احاطه‌ای که بر فعالیت‌های متعدد در جامعه دارند، می‌توانند نقش ارشادی و هدایتی سرمایه‌گذاران را بر عهده بگیرند و از اتلاف منابع محدود کشور جلوگیری کنند. تنظیم قوانین و یا مشارکت با سازمان‌های مختلف در تنظیم مقررات، یکی دیگر از نقش‌های مهم تشکل‌ها به عنوان تسهیل‌کننده فرآیند رشد صنعتی و پیشرفت اقتصادی است.

ایجاد بانک‌های اطلاعاتی گوناگون، ایجاد سازمان‌هایی نظیر بازاریابی برای ورود به بازارهای جهانی، کاهش وابستگی بنگاه‌های تولیدی به دولت و امکانات دولتی، ایجاد روحیه و اعتماد به نفس در مدیران واحدهای اقتصادی، برقراری ارتباط با جهان خارج، آگاه ساختن اعضا از آخرین پدیده‌های علمی و تکنولوژیکی با اهداف توسعه اقتصادی و تشریح سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه برای آنها در راستای ارتقای کیفیت کالاها و خدمات و رقابت پذیر کردن تولیدات، مواردی هستند که می‌توانند نقش تشکل‌ها را پررنگ نمایند. ■

خطا در برنامه‌ها، برای پرهیز از خسارت و زیان ناشی از آنها، مؤثرترین وسیله، قبول انتقال و اشاعه اندیشه انتقادی و تعمیم انتقاد پذیری است.

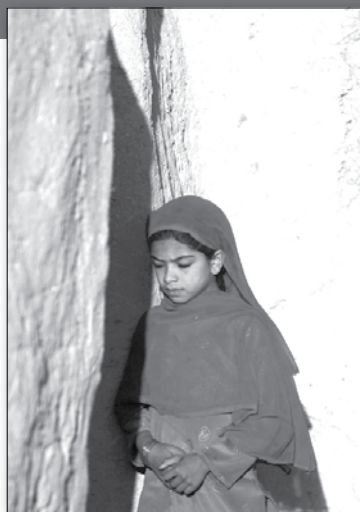
نقش مهم دیگری که می‌توان برای تشکل‌ها قایل شد، بررسی فرصت‌های شغلی در درون اعضای تحت پوشش آن تشکل و ایجاد ارتباط با اطلاعات بازار کار می‌باشد که بدین طریق می‌توان کاستی‌های بازار کار، تمایل اندک به سرمایه‌گذاری مولد و حضور گسترده بخش دولتی را در بازار سرمایه جبران کرد. محدودیت فرصت سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و ایجاد اشتغال برای بخش خصوصی مسأله مهم دیگری است که می‌توان با حاکمیت جمعی آن را برطرف نمود؛ به طوری که سهم بخش‌های تولیدی - به ویژه صنعت - در تولید ناخالص ملی افزایش یابد.

علاوه بر این، تشکل‌ها می‌توانند با تأمین منابع مالی از طریق اعضای خود به انجام یک رشته سرمایه‌گذاری‌های مشترک دست بزنند و بدین ترتیب، با بررسی مزیت‌های داخلی به تعریف و تدوین طرح‌های قابل توجیه پرداخته و آنها را برای سرمایه‌گذاری به

## ابزار سیاسی و اقتصادی رژیم صهیونیستی در جهان عرب

### لاینحل

#### ارزیابی دکتر میرقاسم مؤمنی، مدیر عامل مؤسسه پژوهشی و مطالعات چشم انداز ابرار نوین



کشورها رویه واحدی در قبال فلسطین اتخاذ نکرده و حتی گاهی سیاست‌های متضادی داشته‌اند.

کشورهای اردن، مصر، سوریه و لبنان به خاطر هم‌مرزی با فلسطین نقش بارزتری در این قضیه دارند. سایر

کشورهای عربی نظیر عراق و عربستان به محکومیت‌های لفظی اسرائیل و در نهایت به کمک‌های مالی به سازمان‌های فلسطینی اکتفا کرده‌اند.

با همه این مسایل، اسرائیل در مبارزه با اعراب از یک سیاست نظامی، سیاسی و اقتصادی توأم استفاده می‌کند. در این سیاست، اسرائیل ضمن اشغال نظامی سرزمین‌های فلسطینیان، با یک شگرد و زد و بند سیاسی، اقدام به تهی کردن حامیان اعراب و فشار سیاسی بر حاکمان آن کشورها کرده و با توجه به این که اکثر کشورهای عربی از یک سری حکومت‌های غیرمردمی برخوردارند، حاکمان این کشورها برای حفظ موقعیت خود مجبور به سازش با رژیم صهیونیستی شده‌اند که نمونه آن، اردن و مصر است.

در سیاست اقتصادی اسرائیل، بر اساس نظریه بن‌گورین که توسعه مناسبات با کشورهای فرامنطقه‌ای و مسلمانان غیرعرب را مطرح کرده است، اسرائیل سعی نمود جهت ایجاد شکاف در بین کشورهای مسلمان با توسعه همکاری با کشورهای مسلمان غیرعرب همچون ترکیه و ایران (در زمان قبل از انقلاب)، بتواند فشار مضاعفی را بر جامعه کشورهای عرب وارد نماید که در این مسیر موفق عمل کرد. اسرائیل با کمک آمریکا و اروپا به تکنولوژی پیشرفته‌ای در صنایع و کشاورزی دست یافته و با این امکانات توانسته بسیاری از کشورهای مسلمان در حال توسعه را به طرف خود جذب نماید.

در شرایط فعلی به نظر نمی‌رسد که مذاکرات اعراب و رژیم صهیونیستی نتیجه مطلوبی به همراه داشته باشد. چون اولاً مسؤولان ماناگره‌کننده فلسطینی، نماینده واقعی همه گروه‌های فلسطینی نیستند و از سوی دیگر، در حاکمیت دولت اسرائیل اختلافات آفتاب زباند که هیچ دولتی جرأت تصمیم‌گیری قاطع را ندارد و دولت‌ها فقط سعی دارند وقت کشی کنند و این موضوع، جز ادامه مبارزات مردمی راه حل دیگری ندارد. ■

مسأله فلسطین بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان مهمترین واقعه جهان قلمداد می‌شود. نخستین روز پس از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی، ارتش کشورهای عربی به سوی فلسطین شتافته و جنگ سال ۱۹۴۸ میان اعراب و اسرائیل شکل گرفت. جنگ، شاید از دیدگاه دولتمردان عرب، مهمترین ابزار مبارزه با رژیم صهیونیستی تلقی می‌شد، اما عدم موفقیت اعراب در تمامی جنگ‌های پنج‌گانه بین اعراب و اسرائیل (جنگ اشغال در ۱۹۴۸، جنگ کانال سوئز در ۱۹۵۶، جنگ شش روزه در ژوئن ۱۹۶۷، جنگ ۲۲ روزه در اکتبر ۱۹۷۳ و جنگ لبنان در ۱۹۸۲)، موجب تغییر برداشت آنها شد.

با تشکیل اولین کنگره اسلامی با شرکت کشورهای عربی در بیت المقدس - که در آن کشورهای عربی متعهد به دفاع از اماکن مقدس شدند - دولت آمریکا به پیروی از سیاست‌های انگلستان در فلسطین، تسهیلات مهاجرتی فراوانی را در اختیار یهودیان قرار داد که این کنفرانس هم در عوض، تصمیم به افزایش کمک‌های خود به مردم فلسطین گرفت. اما این سیاست نیز نتیجه‌ای در عقب نشینی اسرائیل نداشت.

#### تقسیم فلسطین

همزمان با تصویب طرح تقسیم فلسطین از سوی سازمان ملل متحد و واکناری مناسب اجرایی از سوی انگلستان به صهیونیست‌ها و کشتار فجیع دیر یاسین و ناصرالدین به دست آنها، زمینه برای مداخله نظامی کشورهای عربی در فلسطین فراهم شد.

اقدامات نظامی اعراب به زودی قرین موفقیت گشت، ولی آنها با فشار آمریکا و انگلستان از جمله امتناع از فروش اسلحه به اعراب، مجبور به پذیرش آتش بس شدند. صهیونیست‌ها هم از فرصت استفاده کرده، به تجدید قوا و جمع آوری سلاح و مهمات از کشورهای مختلف از جمله بلوک شرق پرداختند. در مرحله دوم جنگ، اعراب پیروزی‌های چشمگیری به دست آوردند، ولی عقب نشینی نیروهای اردن و عراق از جبهه‌های نبرد، باعث تقویت روحیه صهیونیست‌ها شد و مواضع سایر دولت‌های عربی مورد تهدید جلای قرار گرفت که بر خلاف مرحله قبل، این بار دولت‌های عربی به زودی طرح آتش بس را پذیرفتند.

در خاورمیانه، تصمیم ابر قدرت‌ها به استمرار و مدیریت بحران فلسطین، مانع از حل این مشکل و باعث تثبیت موجودیت صهیونیسم شد. عدم موضع‌گیری قاطع دولت‌های عربی در برخورد با رژیم صهیونیستی، بخشی از علل حل نشدن قضیه فلسطین است. این